

حقوق بشر، ابزار سیاست اروپا

علی رحمانی*

دیباچه

هانس مورگنتا نویسنده آمریکایی کتاب *سیاست میان ملت‌ها*^(۱) گفته است که دولتمردان هیچ وظیفه اخلاقی دیگری ندارند جز اینکه به دنبال افزایش منافع ملی کشور خود باشند. در نتیجه هر اقدامی مانند مداخله در امور داخلی، جنایت و کشتار دسته‌جمعی در روابط بین‌المللی ابزار دستیابی به منافع ملی محسوب می‌شود.

هنری کیسینجر وزیر امور خارجه اسبق آمریکا در پیروی از نظر مورگنتا به حقوق بشر به عنوان یک ابزار می‌نگریست و معتقد بود که در شکل‌گیری سیاست خارجی نباید اخلاق را مورد توجه قرار داد. به باور او «سیاست خارجی آمریکا نباید نسبت به ساختار داخلی حکومت‌ها، حتی اگر سرکوب‌گر باشند، حساسیت نشان دهد»^(۲). آیا یوشکا فیشر وزیر امور خارجه آلمان که از سال ۱۹۹۸ دستگاه دیپلماسی آن کشور را می‌گرداند و رعایت حقوق بشر، حمایت از حقوق اقلیت‌های تحت فشار، دموکرات‌ها و اصلاح طلبان

* کارشناس مسایل اروپا و مدرس علوم سیاسی

فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال یکم، شماره ۴، بهار ۱۳۸۴، صص ۲۱۴-۱۸۹.

را مرکز ثقل خطی مشی خود قرار داده است، می‌خواهد بر خلاف روش مورگنتا منافع ملی آلمان را تأمین کند؟ فیشر در ۱۸ خرداد ۱۳۸۱ طی گزارش دولت آلمان وضع حقوق بشر در ۷۰ کشور جهان از جمله چین، روسیه، فلسطین، افغانستان، کره شمالی، الجزایر و ایران را مورد انتقاد قرار داد.^(۳)

اروپا قاره‌ای است که سیاستمداران و مقامات آن بیش از هر نقطه جهان از حقوق بشر دم می‌زنند و نسبت به نقض آن حساسیت نشان می‌دهند. در هیچ جای دنیا مانند اروپا این همه قوانین و مقررات برای حمایت از حقوق بشر وضع نشده و سازمان‌ها و دادگاه‌ها برای حفاظت از آن تشکیل نگردیده است. چرا چنین است؟ این نوشته قصد دارد ضمن پاسخ به این پرسش، سیاست حقوق بشر اروپایی را در ابعاد داخلی و خارجی بررسی و دوگانگی آن را معلوم کند.

تاریخچه حقوق بشر اروپایی

حقوق بشر یک آرمان سیاسی است که حق حیات، آزادی‌ها و خواست‌های انسان را در بر می‌گیرد. حقوق بشر از دو منشأ ناشی می‌گردد: یا از حقوق طبیعی (مانند تشکیل خانواده) بر می‌آید و یا در حیطه حقوق عمومی (حق رأی و نمایندگی) واقع می‌شود. نه تنها تعریف واحد و ثابتی برای حقوق بشر وجود ندارد، بلکه به خاطر تأثیر عوامل فرهنگی و جغرافیایی، نظام یکسانی هم برای آن دیده نمی‌شود. حقوق بشر اروپایی با نظام حقوق بشر آمریکایی تفاوت‌هایی دارد و هردو در مقابل حقوق بشر اسلامی قرار می‌گیرند. تاریخ حقوق بشر اروپایی منفی و مشحون از جنگ و خونریزی و ارتکاب اعمال غیر انسانی است. نه تنها در گذشته‌های دور بلکه در حال حاضر هم کشف گورهای دسته‌جمعی از انسان‌های بی‌گناه در بوسنی هرزه گوین، نشان از وحشی‌گری در اروپا می‌دهد.

گرچه ارسطو نخستین فیلسوف اروپایی بود که درباره حقوق بشر سخن گفت ولی دهها سال پیش از او نخستین اعلامیه جهانی حقوق بشر در ایران بر یک کوزه سفالی نقش بسته بود. هنگامی که استوانه کوروش بزرگ در سال ۵۳۹ پیش از میلاد پس از آزادی بابل به وجود آمد، هنوز اقوام وحشی ژرمن در اروپا به سمت جنوب حرکت نکرده بودند. هزار

سال بعد نظام حقوقی امپراتوری روم غربی که بر برده داری متکی بود با تهاجم طوایف ژرمن در سال ۴۷۶ میلادی از میان رفت. حقوق الهی بر پایه مسیحیت نیز به جنگ‌های مذهبی بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در آلمان (۱۵۲۵-۱۵۲۰) و در فرانسه (۱۵۹۸-۱۵۶۲) منجر شد که خود ناقض حقوق بشر بود. پیمان وستفالی که به جنگ‌های سی ساله در ۱۶۴۸ پایان داد، به حکومت‌هایی در اروپا مشروعیت بخشید که با اتکای به زور، هیچ حقی برای آزادی انسان‌ها قائل نبودند. از قرن هفدهم میلادی در اروپا با الهام از نوشته‌های جان لاک^۱ از حکومت قانون و دموکراسی به عنوان دو عنصر جدید حقوق بشر سخن گفته شد و حق رأی دادن و خواست اکثریت مطرح گردید.

اعلامیه حقوقی انگلستان^۲ در سال ۱۶۸۹، اعلامیه استقلال آمریکا در سال ۱۷۷۶ و اعلامیه حقوق بشر فرانسه در سال ۱۷۸۹ که در همه آنها حق حیات و آزادی‌های فردی تعریف و تأیید شده است، از منابع حقوق بشر اروپایی به شمار می‌روند. ولی تا پیش از جنگ جهانی دوم حقوق بشر بیشتر حقوق زنان، کودکان و پناهندگان را در بر می‌گرفت. چگونگی رفتار یک دولت با مردمانش به کشورهای دیگر ربطی نداشت. در اصل وضع حقوق بشر در هر کشور - حتی در آلمان هیتلری - امری داخلی و مشمول حاکمیت خود آن کشور شمرده می‌شد و مسئله‌ای نبود که موضوع سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی باشد.^(۴)

مبارزه برای رعایت حقوق بشر در اروپا و پی‌گیری‌های فراوانی که به منظور تدوین و تصویب قوانین و مقررات مربوط به آن صورت گرفت، نتیجه وجود قرن‌ها ظلم و بی‌عدالتی در این قاره بود. برتری‌طلبی دولت‌ها، حکمرانان خود سر و رژیم‌های دیکتاتوری، موجب شد که حقوق مردم برای برخورداری از آزادی‌ها و رفاه اجتماعی، نادیده گرفته شود. از این رو طی جنگ جهانی دوم مسأله حقوق بشر توجه سیاستمداران صلح طلب اروپایی را برانگیخت تا نسبت به آن به طور جدی اقدام نمایند.

پس از آنکه فرانکلین روزولت رییس جمهوری آمریکا در نطق خود درکنگره در ۶ ژانویه ۱۹۴۱ چهار آزادی (نخست آزادی زبان و بیان - دوم آزادی مذهب - سوم آزادی از

1. John Locke (1632-1704) فیلسوف انگلیسی

2. Bill of Rights

نیازمندی - چهارم آزادی از ترس^(۵) را پیشنهاد نمود، وینستون چرچیل نخست وزیر انگلستان هم به آن پیوست. این دو سیاستمدار در ۱۴ اوت ۱۹۴۱ بر عرشه ناو جنگی «پرنس آو ویلز» در اقیانوس اطلس با هم ملاقات و اعلامیه‌ی مشترکی معروف به «منشور آتلانتیک» را انتشار دادند. در این منشور صلح و آزادی را تضمین کردند و متعهد شدند از اصول دموکراسی در برابر دیکتاتوری دفاع کنند. به تدریج ۴۷ کشور دیگر از جمله فرانسه، بلژیک، هلند، لوگزامبورک و سوئد آن را امضاء کردند.^(۶)

در اعلامیه ملل متحد که در ژانویه ۱۹۴۲ صادر شد دولت‌های امضاء کننده، حفظ حقوق بشر و دفاع از آزادی و عدالت را در کشور خود متعهد شدند. در کنفرانس «دمبارتن اوکس» در سال ۱۹۴۴ مقدمات تهیه منشور ملل متحد فراهم گردید که در سال ۱۹۴۵ در سانفرانسیسکو به امضای ۵۱ کشور رسید. منشور ملل متحد در برگیرنده وظایف دولت‌ها برای احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و مشارکت آنها با یکدیگر به منظور ارتقای حقوق بشر در جامعه بین‌المللی است.

نظام اروپایی حقوق بشر

در این نظام، حقوق بین‌المللی به حقوق داخلی کشورها در زمینه حقوق بشر برتری دارد. منشور سازمان ملل متحد در بردارنده مقرراتی در زمینه حقوق بشر می‌باشد و به آن جنبه جهانی داده است. دولت‌های اروپایی با پیوستن به این منشور پذیرفته‌اند که حقوق بشر دیگر در صلاحیت داخلی دولت‌ها نیست بلکه مورد توجه جامعه جهانی است. منشور به عنوان یک پیمان بزرگ بین‌المللی اعلام کرد که تشویق و ترویج حقوق بشر و احترام به آن، یکی از اهداف سازمان جدید ملل متحد شمرده می‌شود. این نخستین کاربرد واژه «حقوق بشر» در یک پیمان بین‌المللی بود. بر اساس مواد ۵۵ و ۵۶ منشور همه اعضای سازمان ملل متحد تعهد کردند که به منظور دستیابی به احترام همگانی برای حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و رعایت شدن آن برای همگان بی‌هرگونه تبعیض از نظر نژاد، جنس، زبان یا مذهب، اقدام کنند.^(۷)

اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ در پاریس با امضای ۴۸ دولت عضو سازمان ملل متحد به تصویب رسید. این دولت‌ها متعهد شدند حقوق و آزادی‌های اساسی انسان را مراعات نمایند. برخی از مفاد این اعلامیه در قانون اساسی کشورهای اروپایی (از جمله در ماده ۲۵ قانون اساسی ۲۳ مه ۱۹۴۹ آلمان فدرال) وارد شد.

۱۰ دولت اروپایی^۱ که منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر را پذیرفته بودند، پایه گذار قوانین و نهادهای حقوق بشر در اروپا گردیدند. به ابتکار این دولت‌ها نخستین سازمان نگهبان دموکراسی و حقوق بشر به نام «شورای اروپا» در سال ۱۹۴۹ تأسیس شد و کنوانسیون حقوق بشر اروپایی در سال ۱۹۵۰ تصویب گردید. نظامی که به این ترتیب به وجود آمد به تدریج تکامل یافت و چند منشور و کنوانسیون دیگر را در بر گرفت. برخی نهادها و سازمان‌ها نیز برای اجرای مفاد قوانین و مقررات حقوق بشر تشکیل شدند. هم‌اکنون نظام اروپایی حقوق بشر دربرگیرنده دو مجموعه زیر است:

الف - منابع قانونی:

- ۱- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰ (اجرا از ۱۹۵۳)
- ۲- منشور اجتماعی اروپا ۱۹۶۱ (اجرا از ۱۹۶۵)
- ۳- منشور هلسینکی ۱۹۷۳ (اجرا از ۱۹۷۵)
- ۴- کنوانسیون اروپایی منع شکنجه و رفتارها یا مجازات‌های غیر انسانی یا تحقیرآمیز ۱۹۸۷
- ۵- منشور پاریس ۱۹۹۰
- ۶- کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی ۱۹۹۴ (اجرا از ۱۹۹۸)
- ۷- منشور حقوقی اروپا ۲۰۰۰
- ۸- قانون اساسی اروپا ۲۰۰۴

ب - نهادها و سازمان‌ها:

۱. بلژیک، دانمارک، فرانسه، هلند، لوگزامبورگ، انگلستان، ایرلند، ایتالیا، سوئد، نروژ.

یکم - شورای اروپا ۱۹۴۹

دوم - دادگاه اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰

سوم - سازمان امنیت و همکاری اروپا ۱۹۹۵

چهارم - پارلمان اتحادیه اروپا ۲۰۰۴

از آنجا که مطالعه و بررسی نظام اروپایی حقوق بشر مورد نظر این نوشتار نمی‌باشد، در اینجا برای آشنایی به مقررات و طرزکار این نظام، تنها به معرفی دو منبع قانونی و دونهاد آن که کاربرد عملی بیشتری دارند، اکتفا می‌شود.

کنوانسیون حقوق بشر اروپایی

این کنوانسیون در ۴ نوامبر ۱۹۵۰ توسط ده دولت اروپایی در شهر رم به تصویب رسید و از ۳ سپتامبر ۱۹۵۳ به اجرا درآمد. دارای یک مقدمه و ۶۶ ماده است و مهمترین منبع قانونی نظام حقوق بشر اروپایی به شمار می‌رود.

در حال حاضر از ۴۵ کشور عضو شورای اروپا ۴۴ کشور متعهد به اجرای کنوانسیون می‌باشند و تنها روسیه سفید خارج از آن است.^۱

کنوانسیون حقوق بشر اروپایی تضمین‌کننده حقوق اولیه انسان (حق زندگی، منع شکنجه، منع بردگی و کار اجباری)، آزادی‌های فردی (بیان، مذهب، وجدان، قلمرو

۱. کشورهای اروپایی به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: (تاریخ عضویت در شورای اروپا) آلمان (۱۹۵۱)، بلژیک (۱۹۴۹)، قبرس (۱۹۶۱)، آلبانی (۱۹۹۱)، بلغارستان (۱۹۹۲)، کرواسی (۱۹۹۲)، انگلستان (۱۹۴۹)، ترکیه (۱۹۵۰)، لتونی (۱۹۹۲)، آندورا (۱۹۹۴)، پرتغال (۱۹۷۶)، لهستان (۱۹۹۱)، ایتالیا (۱۹۴۹)، چک (۱۹۹۱)، لیتوانی (۱۹۹۲)، اتریش (۱۹۵۶)، دانمارک (۱۹۴۹)، لیختن اشتاین (۱۹۷۸)، ایسلند (۱۹۵۰)، رومانی (۱۹۹۰)، لوگزامبورگ (۱۹۴۹)، ارمنستان (۱۹۹۲)، روسیه (۱۹۹۶)، گرجستان (۱۹۹۲)، اسلواکی (۱۹۹۱)، روسیه سفید (-)، مجارستان (۱۹۹۰)، استونی (۱۹۹۲)، سان مارینو (۱۹۸۸)، مالت (۱۹۶۵)، اسلوونی (۱۹۹۲)، سوئد (۱۹۴۹)، مقدونیه (۱۹۹۲)، آذربایجان (۱۹۹۲)، سوئیس (۱۹۶۳)، ملداوی (۱۹۹۲)، ایرلند (۱۹۴۹)، صربستان و مونته‌نگرو (۱۹۹۲)، نروژ (۱۹۴۹)، اسپانیا (۱۹۷۷)، فنلاند (۱۹۸۹)، واتیکان (عضو ناظر)، اوکراین (۱۹۹۲)، فرانسه (۱۹۴۹)، هلند (۱۹۴۹)، یونان (۱۹۷۴).

شخصی و تشکیل اجتماع)، حقوق قضایی (تضمین دادرسی قانونی)، حق زناشویی و تشکیل خانواده است. این تضمین‌ها به وسیله شماری پروتکل الحاقی تکمیل شده‌اند که پروتکل شماره یک درباره مالکیت و پروتکل شماره ۶ در مورد منع مجازات اعدام از اهمیت خاصی برخوردارند. هنگام عضویت یک کشور در اتحادیه اروپا دولت‌های متعاقد باید استانداردهای کنوانسیون را در مورد آن رعایت کنند.

کنوانسیون حقوق بشر اروپایی دارای دو رکن است که در شهر استراسبورگ فرانسه مستقراند:

۱- کمیسیون اروپایی حقوق بشر، که نقش میانجیگرانه را ایفا می‌کند. هر دعوی ابتدا باید در این کمیسیون مطرح و مورد بررسی قرار گیرد و چنانچه راه حل دوستانه‌ای یافت نشد به مرحله بعد برود.

دولت‌های عضو کنوانسیون، در کمیسیون اروپایی حقوق بشر یک نماینده دارند که بر اساس صلاحیت علمی و شایستگی اجتماعی برای مدت ۶ سال برگزیده می‌شوند. کمیسیون صلاحیت رسیدگی به شکایت دولت‌های عضو از یکدیگر در مورد نقض مقررات کنوانسیون حقوق بشر اروپایی را دارد، حتی اگر دولت مطرح کننده دعوی ذینفع نباشد. افراد نیز می‌توانند علیه دولت مبتوع خود یا علیه هر دولت عضو کنوانسیون، که حقوق فردی و اجتماعی آنها را نادیده گرفته اند، به کمیسیون شکایت کنند.

۲- دادگاه اروپایی حقوق بشر، که مرجع قضایی است و نسبت به دعاوی که به آن ارجاع می‌شود رسیدگی و رأی صادر می‌کند. کلیه دولت‌های عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دارای یک قاضی در دیوان می‌باشند که برای مدت ۹ سال انتخاب می‌شود. دادگاه صلاحیت دارد نه تنها به شکایت دولت‌های عضو کنوانسیون از یکدیگر در مورد نقض مفاد آن، بلکه به شکایت افراد از این دولت‌ها نیز رسیدگی نماید. دولت‌های عضو ملزم به پیروی از رأی صادره دادگاه می‌باشند. کمیته‌ای مرکب از وزیران امور خارجه دولت‌های عضو شورای اروپا بر اجرای رأی دادگاه نظارت می‌کند. کمیته وزیران را می‌توان رکن ناظر بر اجرای مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دانست. اما وسیله قهری برای اجرای احکام در نظر گرفته نشده است.

- برخی از مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به قرار زیر است^(۸):
- ارزش انسان تردید ناپذیر و مورد احترام و حمایت است (ماده ۱)
 - حق حیات هر انسانی مورد احترام است (ماده ۲)
 - هیچ کس نباید شکنجه یا مورد رفتار غیر انسانی و آسیب‌زا واقع شود (ماده ۳)
 - بردگی، بهره‌کشی و کار اجباری افراد ممنوع است (ماده ۴)
 - هیچ فردی را نمی‌توان به طور غیر قانونی بازداشت کرد، در آن صورت آن فرد حق خسارت دارد (ماده ۵)
 - محاکمات در دادگاه‌ها باید علنی و عادلانه باشد و متهم از حق داشتن وکیل برای دفاع از خود و فرصت کافی برای دفاع برخوردار است (ماده ۶)
 - هر فرد حق رسیدگی قضایی دارد (ماده ۷)
 - زندگی خصوصی افراد مورد احترام است (ماده ۸)
 - آزادی مذهبی، فکری و عقیدتی افراد تضمین می‌شود (ماده ۹)
 - حق آزادی اندیشه، بیان و ارسال اطلاعات تضمین شده است (ماده ۱۰)
 - تشکیل اجتماعات آزاد است (ماده ۱۱)
 - هر فردی می‌تواند عقاید مذهبی خود را اشته دهد (ماده ۱۲)
 - در صورت نقض حقوق شناخته شده هر فرد در این کنوانسیون او حق شکایت به مقامات صلاحیت‌دار محلی را دارد (ماده ۱۳)
 - هر فرد می‌تواند حقوق اعلام شده خود را در این کنوانسیون بدون هیچگونه تبعیض از نظر رنگ پوست، نژاد، ملیت، مذهب و زبان به اجرا درآورد (ماده ۱۴)
 - مجازات اعدام لغو می‌شود و دولت‌هایی که به پروتکل پیوسته‌اند متعهد می‌باشند هیچ مجرمی را به آن محکوم نکنند (پروتکل شماره ۶ مصوب ۱۹۸۳)
 - هر فرد، سازمان غیر حکومتی یا گروهی از افراد که مدعی شوند از سوی یکی از دولت‌های عضو کنوانسیون قربانی نقض حقوق بشر شده‌اند، می‌توانند از طریق دبیر کل شورای اروپا به کمیسیون حقوق بشر اروپایی شکایت کنند (ماده ۲۵)

نظام اروپایی حقوق بشر دستاوردهای مهمی به همراه داشت. از جمله اینکه اقامه دعوی از سوی یک فرد جامعه علیه دولت مبتوع آنها در یک مرجع قضایی بین‌المللی امکان پذیر گردید. هر دولتی - ذینفع یا غیر ذینفع اجازه یافت علیه دولت نقض کننده حقوق بشر در دادگاه بین‌المللی اقامه دعوی کند. نهادهای قضایی خاصی در زمینه حمایت از حقوق انسانی در عرصه اروپا ایجاد شود. حقوق افراد در گستره وسیعی از زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی خانوادگی مورد حمایت قرار گیرد.^(۹)

شورای اروپا

شورای اروپا^۱ بزرگترین سازمان بین‌المللی برای تأمین آزادی، دموکراسی و دفاع از حقوق بشر در اروپا است. این سازمان در ۵ مه ۱۹۴۹ به وسیله ۱۰ کشور اروپایی در لندن به وجود آمد و از ۳ اوت ۱۹۴۹ کار خود را آغاز کرد. مقر آن در شهر استراسبورگ فرانسه است و ۴۵ کشور اروپایی در آن عضویت دارند.^(۱۰)

کشورهای ژاپن، کانادا، آمریکا، مکزیک و واتیکان عضو ناظر آن می‌باشند. شورای اروپا برای حمایت کامل از حقوق بشر و گسترش دموکراسی در قاره اروپا با اتحادیه اروپا، پیمان ناتو^۲، سازمان امنیت و همکاری اروپا^۳، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد و سازمان‌ها و نهادهای فعال در امور مربوط به حقوق بشر همکاری می‌کند.

مهمترین اهداف شورای اروپا عبارتند از:

«- حمایت از حقوق مدنی و سیاسی از طریق طرح شکایت افراد به دادگاه

- حمایت از حقوق اقتصادی و اجتماعی بر مبنای اصول منشور اجتماعی اروپا

1. Council of Europe (CE) به انگلیسی

به آلمانی (ER) Europärat

به فرانسه (CE) Conseil de l'Europe

2. European Union (EU)

3. North Atlantic Treaty Organization (NATO)

4. Organization of Security and Cooperation on Europe (OSCE)

- حمایت از افراد و آزادی‌های اساسی از طریق سیستم نظارت کنوانسیون اروپایی
 - منع شکنجه و رفتارها یا مجازات‌های غیر انسانی یا تحقیر آمیز
 - حمایت از حقوق اقلیت‌های ملی با تکیه بر کنوانسیون چارچوب حمایت از
 اقلیت‌های ملی

- گسترش مساوات و برابری میان زن و مرد
 - مبارزه با نژاد پرستی، نابرابری نژادی، بیگانه ستیزی
 - آزادی بیان و مطبوعات
 - ترویج و آموزش حقوق بشر در مدارس و سایر مراکز آموزشی
 - لغو مجازات اعدام
 - مبارزه با جرایم سازمان یافته و قاچاق انسان و مواد مخدر
 - مبارزه با بیماری‌های ایدز، مالاریا و ^a
 - حمایت از محیط زیست
 - ترویج و گسترش دموکراسی^(۱)

شورای اروپا تا سال ۱۹۹۶ روسیه را به خاطر نقض حقوق بشر در جمهوری
 خودمختار چچن به عضویت نپذیرفت. در ۲۸ آوریل ۲۰۰۴ نیز به دلیل تخلف «الکساندر
 لوکاشنکا»^۱ رئیس جمهور روسیه سفید از قانون مطبوعات و نادیده گرفتن حقوق
 اپوزیسیون، مناسبات خود را با آن دولت قطع کرد. در چارچوب وظایف و اختیارات
 شورای اروپا تا کنون ۱۹۶ کنوانسیون، پروتکل و قرارداد در زمینه حقوق بشر، محیط
 زیست، اقلیت‌های قومی، مطبوعات، کارگران خارجی و مهاجرت به تصویب رسیده است،
 که منشور اجتماعی اروپا^۲ از مهمترین آن می‌باشد.
 ارکان مهم شورای اروپا عبارتند از:

1. Alexander Lukaschenka
 2. Europäische Sozialcharta

- کمیته وزیران مرکب از وزیران امور خارجه کشورهای عضو یا نماینده دائم آنها (سفیر) که هر شش ماه یک بار تشکیل جلسه می‌دهد و خط مشی شورای اروپا را تعیین می‌کند و بودجه آن را تنظیم می‌نماید.

- مجمع پارلمانی مرکب از ۳۱۳ نماینده از پارلمان کشورهای عضو شورا (۲ تا ۱۸ نماینده از هر کشور بسته به جمعیت آن) که سه بار در سال به مدت یک هفته اجلاس دارد. نمایندگان پارلمان‌های ملی با یکدیگر مشورت می‌کنند، نسبت به تصویب قطعنامه‌ها تصمیم می‌گیرند و درباره اعضای شورا توصیه می‌نمایند. بیشتر موافقت‌نامه‌ها، قطعنامه‌ها و کنوانسیون‌هایی که تا کنون تصویب شده است (مانند لغو مجازات اعدام، منع شکنجه، حمایت از اقلیت‌های ملی) کار مجمع پارلمانی شورای اروپا بوده است.

- دبیرخانه مرکب از یک دبیر کل و ۱۳۰۰ کارمند که در خدمت مجمع پارلمانی و کمیته وزیران می‌باشند. دبیر کل برای مدت ۵ سال از طرف مجمع پارلمانی تعیین می‌شود. کنگره‌ای نیز مرکب از ۳۱۳ نماینده از مناطق اروپا ۲۰۰ هزار ناحیه ملی در کشورهای عضو را تحت پوشش خود دارد. این کنگره سالی یک بار در شهر استراسبورگ تشکیل جلسه می‌دهد. در سال ۲۰۰۴ بودجه شورای اروپا ۱۸۰/۵ میلیون یورو بود که از سوی کشورهای عضو برحسب قدرت مالی و اقتصادی آنها تأمین شد.

منشور اجتماعی اروپا

منشور اجتماعی اروپا متعلق به شورای اروپا و مکمل کنوانسیون حقوق بشر اروپایی است. این منشور که در ۱۸ اکتبر ۱۹۶۱ تهیه و از ۲۶ فوریه ۱۹۶۵ به اجرا گذاشته شد، شامل حقوق اجتماعی و اقتصادی مردم کشورهای عضو شورای اروپا است. هر دولت عضو متعهد می‌باشد که حقوق هفت گانه زیر را به اجرا درآورد:^(۱۲)

- ۱- حق کار
- ۲- حق مساوات
- ۳- حق اعتصاب و گفت‌وگوهای دسته‌جمعی
- ۴- حق تأمین اجتماعی

۵- حق آسایش و رفاه

۶- حق حمایت اقتصادی، اجتماعی و قانونی از خانواده

۷- حق کارگران مهاجر و حمایت از خانواده آنان

منشور اجتماعی اروپا تا سال ۱۹۹۸ پیوسته در حال تکمیل و گسترش بوده و یک سند پویا برای ارتقای کیفیت زندگی اتباع دولت‌های عضو است. در فهرست حقوق اجتماعی و اقتصادی مردم از حق کار و مزد عادلانه و شرایط ایمنی کار تا حق رفتار مساوی با کارگران، عدم تبعیض در محیط کار، حقوق از کارافتادگان، حمایت اجتماعی از اخراج شدگان، حمایت قانونی از کودکان و نوجوانان، مبارزه با نابرابری و بی‌عدالتی و حمایت از محرومان اجتماعی دیده می‌شود.

اتحادیه اروپا، منشور اجتماعی اروپا را به صورت یک سند قانونی در هفت فصل و ۵۴ ماده که همه اعضای اتحادیه ملزم به پیروی از آن می‌باشند درآورد و از سال ۲۰۰۰ مراعات کرد. عنوان این هفت فصل نشان دهنده محتوای مواد دربرگیرنده آن می‌باشد:^(۱۳)

- فصل یکم - حقوق انسانی (حق حیات، منع شکنجه و برده داری و کار اجباری)
- فصل دوم - آزادی‌ها (آزادی از ترس و حمایت از زندگی خصوصی، آزادی انتخاب همسر و تشکیل خانواده، آزادی بیان، عقیده و مذهب، آزادی کار و پناهندگی)
- فصل سوم - تساوی‌ها (تساوی در برابر قانون، عدم تبعیض، برابری زن و مرد)
- فصل چهارم - همبستگی‌ها (همبستگی بین کارگران و کارفرمایان، ممنوعیت کار کودکان، حمایت از کارافتادگان، حمایت از سلامت، بهداشت و محیط زیست)
- فصل پنجم - حقوق اجتماعی (حق رأی در انتخابات و نماینده شدن، حق اقامت)
- فصل ششم - حقوق قضایی (حق مراجعه به دادگاه‌ها و حق برخورداری از دفاع)
- فصل هفتم - شرایط عمومی (تضمین‌ها و حمایت‌های قانونی)

پارلمان اروپا

پارلمان اروپا^۱ نهاد نظارت دموکراتیک و رکن قانونگذاری اتحادیه اروپا است. این مجلس مرکب از ۷۳۲ نماینده از ۲۵ کشور عضو اتحادیه اروپا می‌باشد که در انتخابات ۱۰ تا ۱۳ ژوئن ۲۰۰۴ برای مدت پنج سال برگزیده شده‌اند. شمار نمایندگان هر کشور در پارلمان بر اساس جمعیت آن و توافق دولت‌های عضو تعیین گردیده است.^۲ دبیرخانه پارلمان در شهر لوگزامبورگ واقع است ولی محل اجلاس‌های آن در استراسبورگ و کمیسیون‌های آن در بروکسل مستقراند. دولت‌های عضو اتحادیه درباره مرکز دائمی پارلمان اختلاف نظر دارند. مدعی اصلی فرانسه است که می‌خواهد استراسبورگ مرکز پارلمان باشد ولی بلژیک با آن موافق نیست.

شورای اروپا تنها در مورد وضع حقوق بشر در کشورهای اروپایی مسئولیت دارد و نسبت به سایر نقاط جهان معمولاً اظهار نظر نمی‌کند، اما پارلمان اروپا راجع به حقوق بشر و وضع سیاسی در هر کشور جهان مداخله می‌کند و قطعنامه صادر می‌نماید. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران بیش از هر کشوری مورد انتقاد پارلمان اروپا بوده است، مناسب می‌باشد که پارلمان بهتر شناخته شود.

پارلمان هسته اصلی یک نظام مبتنی بر دموکراسی است. تمام پارلمان‌ها به طور مشترک یک وظیفه و دو حق دارند: وظیفه آنها نمایندگی از طرف رأی دهندگان است تا به وکالت از سوی انتخاب کنندگان از حقوق آنان دفاع کنند. دو حق مشترک پارلمان‌ها یکی حق تصویب قانون و دیگری نظارت بر اعمال حکومت است. ولی پارلمان اروپا یک مرجع قانون گذاری کامل برای کشورهای عضو به شمار نمی‌رود و بجز در امور مالی و تصویب بودجه، سیاست کشاورزی، پذیرش عضو جدید، تصویب انتخاب رییس کمیسیون اروپا و قضات دادگاه اروپایی و تصویب موافقتنامه‌ها با کشورهای ثالث اختیار دیگری ندارد. البته تلاش می‌کنند قدرت فراملی آن را افزایش دهند. در حال حاضر پارلمان اروپا تا اندازه یک

۱. European Parliament (EP) به انگلیسی

۲. آلمان ۹۹، انگلستان و ایتالیا و فرانسه هر یک ۷۸، اسپانیا و لهستان ۵۴، هلند ۲۷، یونان و پرتغال و چک و مجارستان ۲۴، سوئد ۱۹، دانمارک و فنلاند و اسلواکی ۱۴، لیتوانی ۱۳، لتونی ۹، اسلوانی ۷، قبرس و استونی و لوگزامبورگ ۶ و مالت ۵ نماینده دارند.

مجلس ملی از توان تصمیم‌گیری برخوردار نیست. جریان قانون‌گذاری در اتحادیه اروپا ترکیبی از همکاری و هماهنگی سه رکن شورای وزیران (با اختیارات زیاد) کمیسیون اروپایی (رکن اجرایی) و پارلمان (مجمع مشورتی) است. تا آنجا که به مسایل سیاست خارجی مربوط می‌گردد، پارلمان اروپا از هیچ قدرتی برخوردار نیست، نظر آن مشورتی است و جنبه توصیه دارد.

تعریف - پارلمان اروپا یکی از ارکان اصلی اتحادیه اروپا و مجلسی چند ملیتی از نمایندگان کشورهای عضو است که با رأی مستقیم مردم آن کشورها انتخاب می‌شوند و حق اعمال نظر، مشورت، نظارت و قانونگذاری برای اتحادیه اروپا دارند.^(۱۴)

تأسیس و تکامل - به موجب ماده ۴ معاهده رم که در ۲۵ مارس ۱۹۵۷ بین شش کشور اروپایی^۱ به امضاء رسید، تشکیل پارلمان اروپا به عنوان رکن مشترک سه اتحادیه «جامعه ذغال و فولاد اروپا»، «جامعه اقتصادی اروپا»، «جامعه انرژی اتمی اروپا» پیش‌بینی شد. هر یک از این سه جامعه دارای یک مجمع پارلمانی بودند. در ۳۰ مارس ۱۹۶۲ مجمع پارلمانی آنها در هم ادغام شدند و پارلمان اروپا به وجود آمد که نمایندگان آن از سوی مجالس ملی کشورهای عضو انتخاب می‌شدند.

در دسامبر ۱۹۷۴ شورای اروپا^۲ (کنفرانس سران دولت و حکومت کشورهای عضو) در اجلاس پاریس تصمیم گرفت که اعضای پارلمان اروپا از طریق انتخابات مستقیم برگزیده شوند. از ۷ تا ۱۰ ژوئن ۱۹۷۹ نخستین انتخابات مستقیم پارلمان اروپا در ۹ کشور عضو انجام شد. قدرت قانون‌گذاری پارلمان اروپا در راه طولانی تکامل آن افزایش یافت. تا کنون شش دور انتخابات مستقیم صورت گرفته و دوره کنونی پارلمان سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ را در بر می‌گیرد.

انتخابات

۱. فرانسه، بلژیک، هلند، لوگزامبورگ، آلمان، ایتالیا
۲. شورای اروپا European Council نهاد سیاسی اتحادیه اروپا با شورای اروپا Council of Europe نهاد حقوق بشر اشتباه نشود.

انتخابات پارلمان اروپا هر پنج سال یکبار در کشورهای عضو در تاریخ معینی بین صبح پنجشنبه تا غروب یکشنبه انجام می‌شود. روش انتخابات در همه کشورها یکسان نمی‌باشد و هر کشور بر طبق مقررات داخلی خود عمل می‌کند. برای نمونه در آلمان چون انتخابات حزبی است تنها احزابی که دست کم ۵ درصد کل آراء را به دست آورند می‌توانند به پارلمان نماینده بفرستند. قانون انتخابات پارلمان اروپا در ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۶ تصویب شد. به موجب آن عضویت در پارلمان مبادی با عضویت در مجالس ملی کشورهای عضو ندارد. برای نمونه یک آلمانی می‌تواند هم عضو مجلس فدرال (بوندستاگ) و هم عضو پارلمان اروپا باشد. ولی اعضای پارلمان نمی‌توانند عضو حکومت کشورهای عضو یا عضو سایر ارکان اتحادیه اروپا (کمیسیون، شورای وزیران و دیوان دادگستری) باشند. در بلژیک، یونان، ایتالیا و لوگزامبورگ شرکت در انتخابات اجباری است ولی در بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه اختیاری است. در برخی از کشورها مثل آلمان، دانمارک و هلند فقط احزاب سیاسی حق دارند کاندیدا معرفی کنند. در کشورهای دیگر، افرادی که تعداد معینی امضاء جمع کنند می‌توانند نامزد انتخابات شوند. برای همه انتخاب شونده‌گان در کلیه کشورهای عضو، داشتن دست کم ۱۸ سال سن لازم است. از سال ۱۹۷۹ تاکنون شش دور انتخابات پارلمان اروپا برگزار شده است.

درصد شرکت مردم کشورهای عضو اتحادیه اروپا در انتخابات پارلمانی ۱۰ تا ۱۳ ژوئن ۲۰۰۴ حدود ۴۵/۵ درصد بود که پایین‌ترین میزان در تاریخ فعالیت پارلمان اروپا بود. حتی در ۱۰ کشور جدید میزان شرکت مردم در انتخابات ۲۸/۷ درصد بود که موجب نگرانی مقامات این کشورها شد. به عبارت دیگر این مسئله نشان می‌دهد، پارلمان نمایندگی اکثریت مردم اروپا را در بر ندارد.

فهرست زیر درصد شرکت مردم هر کشور را در انتخابات پارلمان اروپا نشان می‌دهد که بین ۱۷ درصد در اسلوواکی و ۹۰/۸ درصد در بلژیک در نوسان است. در چهار کشوری که آرای بیش از ۶۰ درصد را نشان می‌دهد، انتخابات اجباری بوده است:^(۱۵)

آلمان	۴۳ درصد	هلند	۳۹/۱ درصد
اتریش	۴۱/۸ درصد	یونان	۶۲/۸ درصد (اجباری)

اسپانیا	درصد ۴۵/۹	لهستان	۲۰/۴ درصد
انگلستان	درصد ۳۸/۹	مجارستان	۳۸/۵ درصد
ایتالیا	درصد ۷۳/۱ (اجباری)	چک	۲۸/۳ درصد
بلژیک	درصد ۹۰/۸ (اجباری)	اسلواکی	۱۷ درصد
پرتغال	درصد ۳۸/۷	اسلوونی	۲۸/۳ درصد
دانمارک	درصد ۴۷/۸	استونی	۲۶/۹ درصد
سوئد	درصد ۳۷/۲	لتونی	۴۱/۲ درصد
فرانسه	درصد ۴۳/۱	لیتوانی	۴۸/۲ درصد
فنلاند	درصد ۴۱/۱	قبرس	۷۱/۲ درصد
لوگزامبورگ	درصد ۹۰ (اجباری)	مالت	۸۲/۴ درصد

از ۴۵۰ میلیون نفر جمعیت ۲۵ کشور عضو اتحادیه اروپا ۳۴۲ میلیون نفر حق رأی داشتند و ۱۵۹ حزب و گروه سیاسی در انتخابات شرکت کردند.

گروه‌های سیاسی

پارلمان اروپا پیوسته محل برخورد دو دسته بندی سیاسی راست و چپ می‌باشد که هر یک خواهان هدایت اتحادیه اروپا به سوی هدف‌های خود هستند. از یک سو دموکرات‌ها و محافظه کاران به دنبال ایجاد اروپای صنعتی با قدرت مالی و سرمایه‌گذاری‌اند و از سوی دیگر سوسیالیست‌ها، سوسیال دموکرات‌ها و سبزها در پی مسایل اجتماعی، محیط زیست و حقوق بشر می‌باشند. این دو گروه در مسایل سیاسی و امنیتی و اقتصادی اروپا نظر مشابهی ندارند.

فراکسیون‌های سیاسی در پارلمان اروپا (۲۰۰۹-۲۰۰۴) بدین قرارند:^(۱۶)

۱	دموکرات‌ها و دموکرات‌های مسیحی	۲۶۸ نماینده (دست راستی و محافظه کار)
۲	سوسیال دموکرات‌ها	۲۰۰ نماینده (چپ میانه‌رو)
۳	لیبرال دموکرات‌ها	۸۸ نماینده (لیبرال)
۴	سبزها و اتحادیه آزاد اروپا	۴۲ نماینده (چپ لیبرال)
۵	اتحاد چپ اروپا (سبزهای چپ)	۴۱ نماینده (چپ)
۶	مستقل‌ها و دموکرات‌ها	۳۷ نماینده (دموکرات)

۷	اتحادیه ملت‌های اروپا	۲۷ نماینده (ناسیونالیست و راست افراطی)
۸	بدون حزب	۲۹ نماینده (بدون گرایش سیاسی که فراکسیون ندارند)

در پارلمان اروپا دست راستی‌ها ۳۳۲ نماینده، چپ‌ها ۲۸۳ نماینده و میانه‌روها ۸۸ نماینده دارند.

هیأت ریسه

پارلمان اروپا دارای هیأت ریسه‌ای مرکب از یک رییس و ۱۴ معاون است که برای مدت دو سال و نیم انتخاب می‌شوند. رییس آن معمولاً یکی از شخصیت‌های برجسته سیاسی و اقتصادی اروپاست. وی وظیفه دارد برنامه کار پارلمان را تنظیم و هدایت امور آن را بر عهده بگیرد. همکاری نزدیکی بین او و رؤسای فراکسیون‌های پارلمان برقرار است. رییس پارلمان آقای پت کوکس^۱ سیاستمدار ایرلندی است که از ۱۵ ژانویه ۲۰۰۲ ریاست آن را بر عهده دارد. وی از جناح لیبرال - دموکرات است.

دبیرخانه‌ای مرکب از یک دبیر کل و پنج مدیر کل و ۳۳۶۷ کارمند (در یکم ژانویه ۲۰۰۴) در چند نوبت کاری به طور دائم تحت نظارت هیأت ریسه مشغول کار است. پارلمان ۲۱ زبان رسمی دارد.^۲ هر سخنرانی به طور هم‌زمان به زبان کشورهای عضو ترجمه و همراه با گزارش جلسات پارلمان چاپ و منتشر می‌شود.

پارلمان اروپا برای بررسی مسایل جاری خود دارای ۱۷ کمیسیون است که هر یک به موضوع خاصی رسیدگی می‌کنند مانند: کمیسیون‌های کشاورزی، انرژی، محیط زیست، بودجه، حمل و نقل و انتخابات. کمیسیون سیاست خارجی و حقوق بشر از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا نسبت به وضع کشورهای غیر عضو اتحادیه اروپا مانند جمهوری اسلامی ایران اظهار نظر می‌کند و گزارش می‌دهد.

1. Pat Cox

۲. ایرلند و انگلستان (انگلیسی)، فرانسه و بلژیک و لوگزامبورگ (فرانسوی) آلمان و اتریش (آلمانی)، یونان و قبرس (یونانی)

صلاحیت‌ها و اختیارات

پارلمان اروپا بر اساس ماده ۳۷ عهدنامه رم در سال ۱۹۵۷ صلاحیت قانونگذاری نداشت و اختیارات آن بسیار محدود بود. هرچه از عمر اتحادیه اروپا سپری شد، پارلمان قدرت قانونگذاری بیشتری یافت تا اینکه در پیمان ماستریخت در سال ۱۹۹۱ و پیمان آمستردام در سال ۱۹۹۷ به آن صلاحیت و اختیارات بسیاری داده شد. با این حال هنوز هم قدرت اصلی در دست شورای اروپا (نشست سران کشورهای عضو) و شورای وزیران امور خارجه است. تقویت پارلمان اروپا یکی از اختلاف نظرهای مهم بین دولت‌های عضو اتحادیه اروپا است، زیرا با قدرت‌یابی آن مجالس ملی کشورهای عضو ضعیف می‌شوند و برخی از دولت‌ها این وضع را در جهت منافع ملی خود نمی‌بینند. در ۲۱ ژانویه ۱۹۹۵ «گراهام مادر» سیاستمدار محافظه کار انگلیسی طی اطلاعیه‌ای به افکار عمومی کشورش تأکید کرد که «مجالس ملی سنگر حیاتی در مقابل آنهایی هستند که تلاش می‌کنند تا اتحادیه اروپا را به صورت یک حکومت واحد با کمیسیون به عنوان دولت و پارلمان به عنوان قوه مقننه تبدیل نمایند.»^(۱۷)

مهم‌ترین صلاحیت‌ها و اختیارات پارلمان اروپا به قرار زیر است:

- تصویب یا رد بودجه اتحادیه اروپا
 - اظهار نظر نسبت به پذیرش یک دولت جدید در اتحادیه
 - تنظیم سیاست کشاورزی
 - تصویب انتخاب رییس کمیسیون اروپا و قضات دادگاه اتحادیه اروپا
 - بررسی عملکرد بانک مرکزی اروپا
 - تصویب موافقتنامه‌های بین‌المللی و امضاء شده با کشورهای ثالث
 - خلع کمیسیون اروپا (رییس و کمیسرها) با اکثریت دو سوم آرای نمایندگان
 - پرسش از شورای وزیران و کمیسیون اروپا در مورد فعالیت‌های اتحادیه
- نظرات پارلمان اروپا در مسایل کشوری، امور قضایی و سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا تنها جنبه مشورتی و توصیه دارد و در این مسایل از صلاحیت قانونگذاری برخوردار نمی‌باشد. قطعنامه‌ها و بیانیه‌های پارلمان گاهی بدون توجه به

سیاست دولت‌های عضو اتحادیه صادر می‌شود و مشکلاتی در روابط خارجی آنها با کشورهای ثالث پدید می‌آورد. البته اغلب پارلمان اروپا در زمینه مسایل سیاست خارجی طی جلساتی با شورای وزیران امور خارجه نظرات خود را ارائه می‌دهد و توصیه‌هایی به عمل می‌آورد.

صلاحیت‌ها و اختیارات پارلمان اروپا در آینده آنچنان افزایش می‌یابد که مصوبات مجالس ملی کشورهای عضو را تحت تأثیر قرار خواهد داد به طوری که آنها ممکن است نتوانند بدون کسب نظر موافق پارلمان اروپا طرح یا لایحه‌ای را تصویب کنند.

طرز کار

پارلمان اروپا ماهانه یک بار به مدت یک هفته در شهر استراسبورگ تشکیل جلسه می‌دهد و مسایل عمومی و برنامه کار کمیسیون‌ها را بررسی می‌کند. ۱۷ کمیسیون پارلمان همراه یک بار در بروکسل مقر اتحادیه اروپا تشکیل می‌شوند و به طور مستقیم با شورای وزیران تماس می‌گیرند. دبیرخانه پارلمان نیز در لوگزامبورگ امور اداری آن را انجام می‌دهد. پارلمان برای تحقیق، هیأت‌هایی را به نقاط مختلف جهان اعزام می‌کند، با مجالس کشورهای ثالث رابطه دوستی برقرار می‌سازد، با آنها گروه‌های پارلمانی مشترک تشکیل می‌دهد و هیأت‌های پارلمانی خارجی را برای گفت و گو به استراسبورگ دعوت می‌نماید. برخی از شخصیت‌های سیاسی و مقامات خارجی در پارلمان سخنرانی می‌کنند. پارلمان اروپا با کشورهای جنوب همکاری دارد از جمله مسایل سیاسی و اقتصادی ۶۶ کشور آفریقایی و کارائیب و اقیانوس آرام^۱ را از طریق کنوانسیون لومه^۲ بررسی و امضای موافقتنامه جدید بازرگانی را موکول به رعایت حقوق بشر توسط این کشورها نموده است.

روند قانونگذاری

1. African - Caribbean - Pacific (ACP)
2. Lomé Convention (لومه پایتخت توگو)

قانونگذاری در اتحادیه اروپا نیازمند همکاری و هماهنگی بین سه رکن اصلی این اتحادیه است. شورای اروپا (اجلاس سران کشورهای عضو) سیاست‌گذاری می‌کند و خط مشی می‌دهد. کمیسیون اروپا پیشنهادات و طرح‌ها را بررسی و به شورای وزیران ارائه می‌کند. شورای وزیران در ارتباط با موضوعی که در حیطه وظایف و اختیارات پارلمان نیست خود تصمیم می‌گیرد و برای اجرا به کمیسیون بر می‌گرداند، ولی اگر در صلاحیت پارلمان ببیند، آن را به پارلمان می‌فرستد. در صورت تصویب پارلمان به صورت قانون در می‌آید. ممکن است پارلمان در لایحه دریافتی تغییراتی بدهد و به شورای وزیران بفرستد. اگر شورا آن را پذیرفت تصویب می‌شود و برای اجرا به کمیسیون احاله می‌گردد. ولی اگر شورای وزیران تغییرات داده شده توسط پارلمان را قبول نکند، آنگاه لایحه مربوطه به کمیسیون میانجی فرستاده می‌شود و در صورت عدم مصالحه موضوع خاتمه می‌یابد. به هر حال روند قانونگذاری کارمشترک پارلمان اروپا و شورای وزیران است که به صورت مشورت و همکاری بین آنها جریان می‌یابد.^(۱۸)

بین شورای اروپا که مراقب رعایت حقوق بشر در کشورهای اروپایی است با پارلمان اروپا که در مورد وضع حقوق بشر در کشورهای غیر عضو اتحادیه اروپا اظهار نظر می‌کند، همکاری وجود دارد. تبادل اطلاعات بین آنها در زمینه مسایل حقوق بشر، توسط دفاتر شورای اروپا در کشورهای عضو اتحادیه صورت می‌گیرد. پس از تصویب قانون اساسی اروپا، قوانین شورای اروپا به صورت «منشور حقوق اساسی اروپا» که در قانون اساسی گنجانده شده توسط کشورهای عضو اتحادیه اروپا به اجرا گذاشته می‌شود. بنابراین در صورت تصویب قانون اساسی اروپا به وسیله ۲۵ کشور عضو اتحادیه، از سال ۲۰۰۶ پارلمان اروپا نظارت بیشتری به وضع حقوق بشر در کشورهای غیر عضو اتحادیه به عمل خواهد آورد.

پارلمان اروپا نشان دهنده میزان پیشرفت در راه تحقق وحدت سیاسی اروپا است. روند قدرت‌یابی پارلمان و افزایش نقش آن در تصمیم‌گیری‌های اتحادیه اروپا به معنای توفیق اتحادیه در دستیابی به اهداف نهایی خود می‌باشد. تشکیل «ایالات متحده اروپا» به عنوان یک دولت فدرال نیازمند وجود یک پارلمان قوی است. اتحادیه اروپا هنگامی به صورت

یک سازمان فراملی کامل در می‌آید که پارلمان اروپا وزن و اهمیتی به همان قدرت و صلاحیت مجالس ملی بیابد. هم‌اکنون، دولت‌های عضو همچنان به فکر منافع ملی کشور خود هستند. مردم کشورهای عضو هم در انتخابات ۲۰۰۴ از پارلمان اروپا استقبال خوبی نکردند. بنابراین، اتحادیه اروپا یک ابتکار نخبگان برای تأمین و حفظ صلح و ممانعت از رقابت دولت‌ها با یکدیگر می‌باشد و «اروپای ملت‌ها» نتوانسته است جای «اروپای دولت‌ها» را بگیرد. در این میان، حقوق بشر ابزاری است که صلح را برای اعضای اتحادیه اروپا حفظ و منافع مشترک آنها را در خارج از اروپا تأمین می‌کند.

منشور حقوق اساسی اروپا

شورای اروپا (اجلاس سران دولت‌های عضو اتحادیه اروپا) در جلسه ۴ ژوئن ۱۹۹۹ که به ریاست دوره‌ای آلمان در شهر کلن تشکیل شده بود، خواهان تدوین منشور حقوق اساسی اروپا^۱ گردید. پارلمان اروپا در ۱۸ نوامبر ۱۹۹۹ با تصویب قطعنامه‌ای خواستار تهیه قانون اساسی اروپا^۲ در دو بخش: یک بخش شامل حقوق اساسی و بخش دیگر در مورد سیاست‌های مشترک شد.^(۱۹) هدف از منشور حقوق اساسی حفاظت و دفاع از حقوق شهروندان کشورهای عضو اتحادیه بود. در دسامبر ۱۹۹۹ شورای وزیران امور خارجه در اجلاس بروکسل این موضوع را در دستور کار خود قرار داد که منشور باید در بردارنده حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی و منبعث از سنت‌های مشترک کشورهای عضو باشد. مقصود سیاستمداران و مقامات اتحادیه اروپا آن بود تا با حمایت از حقوق مردم نظر آنان را به اتحادیه جلب نمایند تا «اروپای ملت‌ها»^۳ تحقق یابد. تاکنون پیوسته از تأمین رفاه مردم از طریق سیاست‌های اقتصادی، پولی و کشاورزی و حمل و نقل و رقابت‌های غیر تبعیض آمیز در بازار تولید سخن می‌گفتند ولی قرار شد از این پس راجع به مهاجرت، پناهندگی، حقوق کار، محیط زیست و تسهیلات اجتماعی صحبت شود، زیرا اروپا

-
1. Europäischen Grundrechtscharta
 2. Europäische Verfassung
 3. Europäische Bürger Verbund

جامعه‌ای است که اعضای آن به طور مستقیم روابط حقوقی با یکدیگر دارند. تنها یک منشور حقوق اساسی می‌توانست به اتحادیه مشروعیت ببخشد و آن را قانونی سازد. اتحادیه اروپا عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نبود هرچند که اعضای آن به کنوانسیون پیوسته بودند.

منشور حقوق اساسی اروپا در ۷ فصل و ۵۴ ماده شامل حقوق اجتماعی و سیاسی شهروندان عضو اتحادیه اروپا که در آن مقررات کنوانسیون حقوق بشر درباره آزادی، برابری و عدالت درج شده بود در ۷ دسامبر ۲۰۰۰ در نشست سران دولت‌های عضو اتحادیه در شهر نیس به امضای «رومانو پرودی» رئیس کمیسیون اروپا، «نیکول فان تین» رئیس پارلمان اروپا و «اوبر ودرین» وزیر امور خارجه فرانسه که کشورش ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را بر عهده داشت، رسید. در مقدمه منشور اشاره شده است به اینکه: «مردم اروپا مصمم به تأسیس اتحادیه‌ای هر چه همبسته‌تر به منظور دستیابی به آینده‌ای صلح آمیز مبتنی بر ارزش‌های مشترک هستند.» منشور با اذعان به میراث معنوی و اخلاقی، ارزش‌های جهانی مربوط به کرامت انسانی، برابری و همبستگی و با تأکید بر اصول دموکراسی و حکومت قانون، فرد را در کانون فعالیت‌های اتحادیه دانسته و تأکید دارد که آزادی، امنیت و عدالت، گسترش ارزش‌های مشترک و حفظ منزلت شهروندان و نیز تنوع فرهنگ‌ها و سنت‌ها مورد احترام باشد. هر شهروند اتحادیه در انتخاب شغل و ایجاد محل کسب و کار در سرزمین هر یک از دولت‌های عضو، آزاد است. شهروند مستحق برخورداری از تشکیلات اداری و حکومتی خوب و رفتار مطلوب است. به موجب ماده ۴۱ هر شهروندی حق دارد از نهادها و سازمان‌ها و آژانس‌های اتحادیه بخواهد که به کارهایش بیطرفانه، عادلانه و در زمانی معقول رسیدگی کنند. پیش از گرفته شدن تصمیمی که بر زندگی وی اثر نامطلوب دارد، باید خواسته و نظرش شنیده شود و حق دسترسی به پرونده اش را با رعایت مسایل محرمانه و منافع حرفه‌ای دارد. هر یک از سازمان‌ها مکلف‌اند دلایل و موجبات تصمیم خود را ارائه کنند، هر کس حق دارد خواستار جبران خسارت‌های وارد شده به خود ناشی از اقدام سازمان‌های اتحادیه شود. شهروند در مکاتبه با سازمان‌های اتحادیه می‌تواند یکی از زبان‌های رسمی را به کار برد و پاسخش را به همان زبان دریافت

کند، برای مسافرت و اقامت در سرزمین اتحادیه آزاد است و حق برخورداری از حمایت دیپلماتیک و کنسولی در کشور ثالث دارد. چنانچه دولت عضو اتحادیه که شخص، شهروندان است در کشور ثالث نمایندگی نداشته باشد، آن شهروند مستحق بهره مندی از حمایت کنسولی و دیپلماتیک از جانب هر دولت دیگر عضو اتحادیه در آن سرزمین است.»^(۲۰)

قانون اساسی اروپا

شورای اروپا در نشست نیس در ۱۰ دسامبر ۲۰۰۰ مجمعی از حقوق دانان و کارشناسان را به ریاست «ژیسکار دستن» رییس جمهوری سابق فرانسه مأمور تهیه پیش‌نویس و تدوین قانون اساسی اروپا کرد. این مجمع پس از دو سال کار طرح تهیه شده را در به رییس شورای اروپا در رم تسلیم کرد. در نشست سران در سالونیک یونان در ۲۰ ژوئن ۲۰۰۳ پیش‌نویس قانون اساسی اروپا به تصویب رسید. در نشست سران در بروکسل در ۱۸ ژوئن ۲۰۰۴ رؤسای ۲۵ کشور عضو اتحادیه اروپا قانون اساسی اروپا را پذیرفتند ولی از آنجا که اتحادیه در رم پایه‌گذاری شده بود به طور سمبلیک آن را در پایتخت ایتالیا امضاء کردند. این قانون پس از تصویب در هریک از کشورهای عضو از سال ۲۰۰۶ به اجرا درمی‌آید و تا سال ۲۰۰۹ به عنوان آخرین فرصت، تمام دولت‌های عضو اتحادیه یا باید آن را تصویب کنند و یا از اتحادیه اروپا کناره‌گیری نمایند، زیرا طبق مقررات، قانون اساسی اروپا هنگامی به اجرا گذاشته می‌شود که کلیه کشورهای عضو آن را پذیرفته باشند. بنابراین، از سال ۲۰۰۹ قانون اساسی اروپا هم یک سند حقوق بشر بین‌المللی به شمار خواهد آمد. ❖

پی‌نوشت‌ها:

1. Hans Morgenthau, *Politics among Nations*, New York, 1974.
این کتاب توسط خانم حمیرا مشیرزاده به فارسی ترجمه و توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی در سال ۱۳۷۴ منتشر شده است.
۲. رضا سیمبر، «سیاست خارجی آمریکا و حقوق بشر»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۹۴ - ۱۹۳، مهر و آبان ۱۳۸۲، صفحه ۳۶.
3. Joschka Fischer, Menschenrechts Jahresbericht des Bundesregierung, *Frankfurter Allgemeine Zeitung* 8 June 2000.
۴. لویی هنکین، «حقوق بشر: از آرمان تا واقعیت و چشم‌انداز آینده»، ترجمه فرشید سرافراز، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۰۶-۲۰۵، مهر و آبان ۱۳۸۳، صفحه ۳۸.
۵. لوئیس اسنایدر، *جهان در قرن بیستم*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۲، سند شماره ۱۸.
6. Herdegen Matthias: *Europarecht* Munchen 2002 - S. 15-35.
۷. لوئی هنکین، پیشین، ص ۴۲.
8. Wedenfeld Werner, Wessels woffgarg: *Europea Von A bis Z* Born - 2000 S. 154.
۹. رضا موسی‌زاده، «نظام اروپایی حقوق بشر در پرتو کنوانسیون ۱۹۵۰ - رم»، *مجله سیاست خارجی ویژه اروپا*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۱۳۷۸، ص ۲۷۲.
10. Der Fischer weltalmanach 2005, Frankfurt 2004 S. 579.
۱۱. شهرام قاضی‌زاده، «سیستم اروپایی حقوق بشر و بررسی سیاست اتحادیه اروپا در قبال وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران»، رساله کارشناسی ارشد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰، ص ۳۹.
12. Hans Jorg Schrotter, *Das aktuelle Europa - Lexikon*, Berlin 2002 S. 234.

13. Marc Fritzier - Unser Gunther: Europa der Burger: Die Charta der Europäischen unionf in: *Die Europäischen Union* - BONN 2001 S. 74.

۱۴. علی رحمانی: «پارلمان اروپایی»، مجله سیاست خارجی، شماره ۲، شهریور ۱۳۶۸، ص ۲۱۷.

15. Der Fischer Weltalmanach 2005 - S.528.

16. Harenberg Aktuell 2005 Manheim 2004 - S.196.

۱۷. بولتن ارگان‌های اروپایی مستقر در بروکسل، شماره ۲۰، بهمن ماه ۱۳۷۳، ص ۵.

18. Europäische Union, Informationen Zur Politische Bildung 213 - BONN 2002 - S. 17.

19. Danwitz Thomas: Die Grundrechts charta der Europäischen Unionf in: *International Politik, 2 /* 2001 - S. 37.

۲۰. اصغر دستمالچی، «قانون اساسی اروپای متحد»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۰۰-۱۹۹،

فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳، ص ۳۲.